



تأملی در کارنامه درخشان عباس میرزا، نجیب ترین شاهزاده‌ی ایرانی

اواخر اسفند ماه هر سال یادآور پیروزی های شگرف قشون ایران به فرماندهی عباس میرزا شاهزاده ی نظام سوار و سردار رشید ایرانی است.

اواخر اسفند ماه هر سال یادآور پیروزی های شگرف قشون ایران به فرماندهی عباس میرزا شاهزاده ی نظام سوار و سردار رشید ایرانی است.

پس از جنگ های اول ایران_روس که به دلیل برتری پیاده نظام و تجهیزات جنگی امپراطوری روس موجب شکست ایران و انعقاد قرارداد شوم گلستان در قفقاز شد پس از ۱۳ سال عباس میرزا در تبریز با بازسازی و آموزش و سازمان دهی چند لشکر به باز پس گیری سرزمین های از دست رفته ایران به قفقاز لشکر کشید و جنگ های دوم ایران و روس آغاز شد. وی با دلاوری و شجاعت و حتی آوردن ۲ تن از فرزندان خود به خط مقدم جنگ، در ۲۰ اسفند ماه دو قرن پیش در ارتفاعات ایروان، قشون بزرگ روسیه را شکست تلخی دهد و چند هزار نفر از آن ها کشته و مجروح گشتند و امپراطور تزار «گودوویچ» فرمانده شکست خورده در مقابل اراده پولادین عباس میرزا و قشون ایران را بر کنار کند که شرح کامل این شکست در نامه ی مفصل عباس میرزا به ناپلئون بناپارت در موزه های اروپا و کانادا نگهداری می شود که متأسفانه بعد از این پیروزی ها بدلیل اعزام قوای تازه نفس از سراسر امپراطوری تزار، موجب ضعف جبهه ی مقاومت ایرانیان شد که منتج به قرارداد ننگین دیگری موسوم به ترکمنچای در میانه ی امروزی شد که بررسی جزئیات این عهد نامه ها در تاریخ معاصر ایران آمده است؛ اما سخن گفتن از زنده یاد عباس میرزا این شاهزاده ی نجیب ایران به موشکافی و بررسی عمیقی نیاز دارد که متأسفانه گروه های تاریخ دانشگاه های تبریز و ایران در این زمینه ها کم کاری کرده اند و هنوز جزئیات این حوادث مهم تاریخی برای نسل جوان ما پوشیده مانده است. با این وصف می توان گفت حدود ۲۲۳ سال پیش عباس میرزا به دلیل لیاقت و شایستگی در خانه ی سلطنت تبریز به عنوان نائب السلطنه و والی آذربایجان مهمترین و ثروتمند ترین ولایت وقت ایران انتخاب می شود. او به محض آغاز والی گری دست به عمران و آبادانی آذربایجان می زند.

به وضع قوانین جمع آوری مالیات تا ایجاد دیوان خانه ی عدالت در تبریز به امور دیگری نیز می پردازد که استفاده از تجارب مهندس های عثمانی و فرنگی برای ایجاد عمارات و ساختمان های عمومی و ایجاد خیابان های اصولی در شهر های تبریز، اردبیل، ارومیه، زنجان، سلطانیه، مراغه، خوی و... می نماید. متأسفانه این تلاش ها با شروع جنگ اول ایران و روسیه ابتر می ماند ولی حد فاصل جنگ اول و دوم که ۱۳ سال و ۱ ماه است، این شاهزاده ی بزرگ اندیش علاوه بر اصلاحات امور سایر بلاد ایران از کرمان و یزد و خراسان گرفته تا تداوم بازسازی و نوسازی قشون ایران که واقعا مطالعه اقدامات این مرد بزرگ در ۱۳ سال و قبل از شروع جنگ دوم ایران و روس بسیار قابل تحسین و تمجید است که به قول سفیر وقت عثمانی در ایران عباس میرزا، نماد شجاعت و بیداری ایرانیان و به قول سفیر وقت روس در تهران عباس میرزا پطر کبیر ایرانیان لقب گرفت. عمق سوز و آگاهی عباس میرزا را می توان در گفتگوی سفیر دولت فرانسه «پیر آمدی ژوبر» در دار السلطنه ی تبریز مشاهده کرد.

نمی دانم این قدرتی که شما (اروپایی ها) را بر ما مسلط کرده چیست و موجب ضعف ما و ترقی شما چه؟ شما در قشون جنگیدن و فتح کردن و بکار بردن قوای عقلیه متبحرید و حال آنکه ما در جهل و شغب غوطه ور و به ندرت آتیه را در نظر می گیریم. مگر جمعیت و حاصل خیزی و ثروت مشرق زمین از اروپا کمتر است؟ یا آفتاب که قبل از رسیدن به شما به ما می تابد تأثیرات مفیدش در سر ما کمتر از شماست؟ یا خدایی که مراحمش بر جمیع ذرات عالم یکسان است خواسته شما را بر ما برتری دهد؟ گمان نمی کنم. اجنبی حرف بزن! بگو من چه باید بکنم که ایرانیان را هشیار نمایم.»

اما آنچه که اخیرا دکتر زیبا کلام درباره ی شجاعت و اصلاح گری زنده یاد عباس میرزا و سوال های تاریخی وی از فرستاده ی فرانسوی در تبریز و جستجوی علل عقب ماندگی ایرانیان گریزی هم به مسئولان کشورمان می زند که متأسفانه برخلاف عباس میرزا درحین قدرت متوجه مشکلات و ضعف های مملکت ایران نمی شوند گویای حقایق تلخ حکومت داری در ایران پس از عباس میرزا است.

با این گفتمان عباس میرزا در طول ۴۴ سال عمر موثر خود نه تنها در تبریز و آذربایجان بلکه حتی در تهران و سایر ولایات اندیشه ی نو سازی، باز سازی و عمران آبادانی ایران را بنیان نهاد؛ آن زمانی که هیچ حرف توسعه و پیشرفت در کشور هایی همچون چین و ژاپن و هند نبود و آمریکا در گیر و دار جنگ های داخلی می سوخت و جرج واشنگتن ارتش آمریکا را شکل می داد و واشنگتن را به عنوان پایتخت آمریکا انتخاب می کرد عباس میرزا سودای جهان اندیشی و نو سازی سرزمین کهن و پهناور ایران را در سر داشت.

اولین دانشجویان ایران را برای فراگیری فنون، علم و صنعت و نظامی گری از تبریز به اروپا فرستاد که آوردن روزنامه و چاپخانه ی ایران مدیون تلاش های اوست.

راه اندازی کارخانه های مختلف در تبریز، ایجاد ساخت توپ خانه و تجهیزات نظامی، تشکیل ارتش منظم، ترجمه ی آثار علمی دانشگاه های اروپا در ایران و آوردن افراد کار بلد از انگلستان، فرانسه و روسیه به تبریز و تهران و فرستادن جوانان جویای اموختن فنون و مهارت به روسیه، مبادله ی هیأت های مشورتی از دولت عثمانی، همه و همه گواه تلاش های ابرمردی است که به عمران و آبادانی آذربایجان و ایران تمام هم و غم خود را به کار گرفت و با فطانت، کیاست و لیاقت خود در تاریخ این مرز و بوم نام نیکی به یادگار گذاشت و متاسفانه گزند روزگار در دوره ی پختگی و ثمر دهی با بیماری و التهابات و زخم های جنگ های ایران و روس، عباس میرزا را از دست ملت ایران گرفت و به قول روس ها اگر می ماند پطر کبیر ایران می شد و امپراطوری باستانی گذشته ایرانی را احیا می کرد.

محمد فرج پور باسمنجی